

شرق

روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۰ • ۱۵ جمادی‌الاول ۱۴۴۳ • ۲۰ دسامبر ۲۰۲۱

سال نوزدهم • شماره ۴۱۷۴ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۲ • اذان مغرب ۱۷:۱۴

اذان صبح فردا ۵:۴۰ • طلوع آفتاب ۷:۱۰

fordashargh@gmail.com

روزنامه‌نروا

بارش باران در خرم‌آباد موجب بالآ آمدن آب رودخانه خرم‌رود و آبیگری معابر در این شهر شده است. /عکس: سجاد درویشی، مهر

نور نوشت



درخت ۵ میلیونی

انکار با رفتن و کم‌رنگ‌شدن کرونا، علاقه به بریایی جشن‌های کریسمس با حضور دیگران در اینستاگرام رو به افزایش است. اما در زمینه خرید وسایل تزئینی آن، مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که تعداد مغازه‌های خالی از مشتری نیز قابل توجه است.

در این میان، مشاهدات میدانی از قیمت‌ها نیز حاکی از آن است که مهم‌ترین کالای این جشن،

پرنده آبی

یعنی درخت کریسمس، بسته به ابعاد، تعداد شاخه‌ها و حتی برند آن بین ۲۵۰ هزار تومان تا پنج میلیون تومان در نوسان است و البته درخت‌هایی با نوک برفی کمی گران‌تر است.

همچنین قیمت کاج مینیاتوری در ابعاد مختلف نیز از ۷۰ هزار تومان شروع می‌شود و در ابعاد بزرگ‌تر با تزئینات کامل به ۸۰۰ هزار تومان هم می‌رسد. ریسه چراغ رنگی نیز به طور میانگین ۱۸۰ و زنگوله کوچک و متوسط حدود ۱۵۰ هزار تومان خرج دارد.

یک جنبه مغفول درباره نسخه الکترونیک، زیرپاندا داشتن اصول بدیهی اخلاق است. امری که به‌وفور شاهد وقوع آن در عرصه‌های مختلف پزشکی و غیرپزشکی هستیم، ولی به آن توجه نمی‌کنیم. درباره معایب نسخه الکترونیک تاکنون بیش از صد مشکل یا ناپختگی برشمرده شده، اما گویا این جنبه مورد توجه قرار نگرفته است. راستی چطور چند کارشناس پزشک و غیرپزشک که تا به حال هیچ‌گاه نسخه‌ای ننوخته‌اند و چندین رئیس و مسئولی که کار اصلی‌شان در اتاق عمل یا پشت دستگاه «فمتو لیزیک» است می‌توانند برای کسانی که کار اصلی روزانه‌شان تنها گرفتن شرح حال و معاینه و تجویز دارو و دستورات نوشتن نسخه است، بدون کوچک‌ترین پرسش و استقهامی تصمیم بگیرند و برای این نسخه‌نویسان تعیین تکلیف بکنند؟ چگونه می‌توان بدون حضور نسخه‌نویسان واقعی که تصادفا همه از اقسار تحصیل کرده هستند و محجور هم نیستند درمورد نسخه‌نویسی برنامه‌ریزی کرد؟ آیا نسخه‌نویس یکی از صخره‌های قلعه دماوند است یا سر کوچک هریک از کارشناسان محترم

می‌توان یک نمونه از آن را پیدا کرد؟ آیا در سایر شئون هم همین‌طور رفتار می‌کنند یا ضوابط اخلاقی در زمینه‌های دیگر بیش از این در نظرگاه آنان قرار دارد؟ بی‌تردید هیچ‌گاه جرئت دخالت در نحوه کار خیاطان، آشپزها و مقنی‌ها را به خود نمی‌دهند. اجازه می‌دهند آن اصناف در خلوت خود، هر سوزن، قابلمه و کلنگی را که دوست دارند انتخاب کنند. وقتی هم می‌خواهند راهی جدید به آنها نشان دهند یا از متقاعدکردن کارفرمایان‌شان شروع می‌کنند یا یک بدیل بهتر را در عمل به نمایش می‌گذارند تا خود آنها این شیوه جدید را اختیار کنند. حال چگونه به خود اجازه می‌دهند در خلوتی که یکی از عمیق‌ترین و عاطفی‌ترین روابط

نسخه الکترونیک و ترازوی اخلاق

انسانی رخ می‌دهد یا کفش گلی و سرزده وارد شوند؟ چطور می‌توانند در معاینات و ویزیت‌هایی که تحت قوانین هیچ مؤسسه دولتی نیست این‌گونه مداخله کنند؟ آیا حق هرکس برای داشتن شیوه‌ای شخصی برای ورود و ادامه این رابطه را نمی‌شناسند؟ رابطه‌ای که در جریان آن از حقیقت مکتوم بیماری با تکنیک ماهرانه شرح حال و معاینه پرده برداشته می‌شود. آنکه تا دقایقی پیش می‌اندیشید به‌زودی خواهد مرد درمی‌یابد که تنها یک حمله اضطراب داشته است یا شاید لازم باشد به ترتیبی به یک نفر بفهمانید که ممکن است بقیه عمر را بر ویلچر بگذرانند. نسخه‌ای که می‌نویسید در بسیاری موارد دستور خرید از داروخانه نیست، دستوری برای مصرف داروست. ممکن است یک داروی واحد را به چندین و چند دستور بنویسید، ممکن است دوست داشته باشید خودنویس‌تان را از سیاهی‌ها شیب پر کنید و کلمات را در پیکار با بیماری‌ها به پرواز درآورید؛ شاید این شیوه‌ای باشد که شما را به سنت‌ها و عهدهای دیرین خودتان و جامعه‌تان پیوند می‌دهد. کدام رابطه انسانی از نادمه‌های معنوی گل‌ها و کیک‌ها و کارت‌ها بری است؟ چگونه به خود جرئت می‌دهند در شیوه‌هایی که یک پزشک متخصص



پزشک متخصص ظرایف کار خود را انجام می‌دهد دخالت کند؟ چگونه به خود اجازه می‌دهند حق پزشک را در شیوه اعمال این رابطه انسانی تا حد وسیله

نوشتن نادیده بگیرند؟ آیا گمان می‌کنند اگر یک شیوه مدرن و روزآمد برای تسهیل هرچه بیشتر این ارتباط تدوین کنند و به پزشکان متخصص پیشنهاد کنند آنها نخواهند پذیرفت؟ آیا گمان می‌کنند اگر مشکلات متعدد زیرساخت‌های اقتصادی نسخه‌نویسی به‌ویژه تعرفه‌های دستوری بسیار پایین مرتفع شود، پزشکان راه‌حل‌های مدرن‌تر نسخه‌نویسی را به شکلی مطابق سلیقه شخصی‌شان نخواهند گزید؟ اگر بلوغ و تکاملی طبیعی به رسمیت شناخته شود و مجالی برای آن فراهم شود، بی‌تردید جوهر بنفش خودنویس هم با همان حروف زیبای شکسته‌اش راه خود را به شکلی زیباتر در نسخه الکترونیک پیدا خواهد کرد.

همسایه‌ها

زنان مجری در سکوت و ترس

۲۳ مرداد، ساعت هفت صبح را نشان می‌داد و فریحه باید از پرده تلویزیون به بینندگان سلام و صبح بخیر می‌گفت، اما آن روز نه خبری از فریحه بود و نه از روشنی صبح. شهر مزارشرف شب توفانی و پراضطرابی را سپری کرده بود و صبح، مردمان شهر همچون گنگ‌های خواب‌دیده، ساکت و مضطرب به یکدیگر می‌نگریستند. آن شب، مزارشرف نیز مانند بسیاری از دیگر نقاط کشور به دست طالبان سقوط کرده بود و تنها پایتخت افغانستان هنوز در کنترل دولت بود. آن صبح، همه در خانه‌های‌شان پای تلویزیون نشسته بودند که خبرها را دنبال کنند و دریابند که چه اتفاقی برای شهرستان و دیگر شهرها افتاده است. برخلاف روزهای قبل، آن روز صدای مجری برنامه صبحگاهی تلویزیون آرزو در هیچ خانه‌ای شنیده نمی‌شد. یک روز پس از آن در پانزدهم آگوست، طالبان سراسر کشور را تصرف کردند و همه رسانه‌های افغانستان ملزم به رعایت دستورات طالبان برای پخش برنامه‌ها شدند.

به گزارش ایندیندنت، فریحه فرهند، دو سال قبل کارش را با شبکه تلویزیونی «آرزو» در شهر مزارشرف آغاز کرد. او مجری برنامه صبحگاهی آن شبکه شد و بامداد هر روز، دو ساعت برنامه اجتماعی و فرهنگی «صبح آرزو» را همراه با یک همکار مرد، زنده اجرا می‌کرد.

او می‌گوید: «از روز سقوط مزارشرف به بعد، همه زنان و دختران فعال در تلویزیون آرزو و دیگر رسانه‌ها، خانه‌نشین شدند. من این وضعیت را دو هفته تحمل کردم، اما سرانجام احساس کردم که خود را سانسور می‌کنم». فریحه، خودسانسوری را نوعی عقب‌نشینی از مبارزه می‌داند و تعریف می‌کند که پس از دو هفته خانه‌نشینی، سرانجام با تلاش فراوان، خانواده‌اش را متقاعد کرده است که به او اجازه دهند به کار برگردد. او می‌افزاید: «با خانواده به تفاهم رسیدم که به کار برگردم، اما وقتی با رئیس تلویزیون تماس گرفتم و گفتم سر کار برمی‌گردم، به من گفت، اصلا چنین فکری را نکن، این کار خطرناک است».

اما در نهایت رئیس تلویزیون هم متقاعد شد که به فریحه اجازه دهد که برنامه صبحگاهی‌اش را از سر بگیرد. فریحه، اولین کارمند زن بود که بر

رسانه‌ها، شمار زیادی از رسانه‌های ویژه زنان تعطیل شدند. تا اوایل سال جاری میلادی حدود ۷۰۰ فعال رسانه‌ای زن در افغانستان فعالیت داشتند که با تسلط طالبان بر کشور، شمار آنان به کمتر از صد نفر رسیده است. تفاوت‌ها در دیدگاه و عملکردهای مقامات طالبان در چهار ماه گذشته، همواره به نگرانی‌ها و تردیدهای مردم، به‌ویژه اصحاب رسانه افزوده است. با این حال، دوام کار در رسانه برای زنانی مانند فریحه فرهند که با وجود تهدیدها و خطرات هنوز از صفحه تلویزیون با مردم حرف می‌زنند، نوعی مبارزه برای حفظ دستاوردهای زنان در ۲۰ سال گذشته است؛ هرچند به گفته او، دیگر از آزادی‌های ۲۰ سال گذشته در انتخاب موضوعات و حتی کلمات خبری نیست.

صفحه شبکه تلویزیونی آرزو که از شهر مزارشرف پخش می‌شود، ظاهر شد. فریحه درمورد کار رسانه‌ای زیر سلطه طالبان می‌گوید: «از آزادی‌هایی که در انتخاب محتوای برنامه‌ها، نوع زبان، حرکات و حتی پوشش مجری در حکومت پیشین افغانستان وجود داشت، دیگر خبری نیست. دیگر از ترس طالبان کسی علاقه‌مند نیست که میهمان برنامه‌های تلویزیونی شود. مجریان هم با رعایت احتیاط سخن می‌گویند و هیچ‌کس حق ندارد کلمه‌ای در نقد کارکردهای طالبان به زبان بیاورد».

این در حالی است که پیش از تسلط طالبان، مجریان در رسانه‌ها با زبان و صدای آزاد، کارکرد مقامات را، از رئیس‌جمهوری تا پایین‌تبه‌ترین مأمور حکومت، مورد نقد قرار می‌دادند و آنان را به پاسخ‌گویی وامی‌داشتند.

به گفته فریحه فرهند، دستورالعمل اخیر طالبان برای رسانه‌ها که در آن پخش فیلم و نمایش‌ها با حضور زنان، پخش برنامه‌های انتقادی طنزآمیز و نیز سریال‌های خارجی ممنوع شده است، یک دستور جدی است و همه رسانه‌ها ملزم به رعایت آن هستند. حضور زنان در رسانه‌های افغانستان در ۲۰ سال گذشته، از عمده‌ترین دستاوردهای دو دهه تلاش برای استقرار دموکراسی در آن کشور شناخته می‌شود. اما در آن سال‌های اخیر در نتیجه مسدودشدن شریان‌های اقتصادی تأمین‌کننده رسانه‌ها در افغانستان، شمار زیادی از رسانه‌های ویژه زنان تعطیل شدند. تا اوایل سال جاری میلادی حدود ۷۰۰ فعال رسانه‌ای زن در افغانستان فعالیت داشتند که با تسلط طالبان بر کشور، شمار آنان به کمتر از صد نفر رسیده است. تفاوت‌ها در دیدگاه و عملکردهای مقامات طالبان در چهار ماه گذشته، همواره به نگرانی‌ها و تردیدهای مردم، به‌ویژه اصحاب رسانه افزوده است. با این حال، دوام کار در رسانه برای زنانی مانند فریحه فرهند که با وجود تهدیدها و خطرات هنوز از صفحه تلویزیون با مردم حرف می‌زنند، نوعی مبارزه برای حفظ دستاوردهای زنان در ۲۰ سال گذشته است؛ هرچند به گفته او، دیگر از آزادی‌های ۲۰ سال گذشته در انتخاب موضوعات و حتی کلمات خبری نیست.

طب و جامعه

افزایش ظرفیت‌های پزشکی چه مشکلی را حل می‌کند؟



محمدرعی آرامی
متخصص مغز و اعصاب

• نظام سلامت هر کشوری از اجزای مختلفی تشکیل شده است و عملکرد استاندارد هرکدام از این اجزا برای تحقق نتایج بهتر و کارآمدی سیستم ضرورت مبرم دارد. هرگاه عملکرد تنها یکی از این اجزا دچار نقص و مشکل شود، سیستم دچار ناکارآمدی خواهد شد. نیروی انسانی یکی از این اجزای مهم در تمامی سازمان‌هاست و همان‌گونه که کمبود یا بی‌کیفیتی افراد بازده سیستم را تقلیل می‌دهد، افزایش نیروی انسانی نیز پیامدهای جبران‌ناپذیر گوناگونی در پی خواهد داشت. رشد متوازن و متعادل توسعه تمام اجزای سیستم

سیستم به جز تحمیل هزینه، افت کیفیت آموزش و نیز افزودن به تعداد پزشکان بی‌کار یا شاغل در حرفه‌های غیرپزشکی یا حرفه‌های پزشکی خارج از جایگاه تعریف‌شده آنها، چه حاصلی در پی خواهد داشت؟ اگر طرفداران افزایش ظرفیت معتقدند که با کمبود پزشک مواجه هستیم، چرا جایگاه‌های خالی پزشکان را به نیروهای موجود و به‌ویژه پزشکان عمومی بی‌کار نشان نمی‌دهند؟ آیا عدم اجرای سیستم سطح‌بندی و ارجاع به خاطر کمبود پزشک است؟ کدام کار کارشناسی و پژوهش مستند نشان می‌دهد که مشکلات موجود در نظام سلامت ما ناشی از کمبود پزشک است؟ اگر چنین مطالعات و گزارش‌های مستند و مدلی وجود دارند، چرا آنها را منتشر نمی‌کنید و در بیوست طرح افزایش ظرفیت نیامده است؟ مسئله مهم و نگران‌کننده در این میان علاوه بر افزایش خیل پزشکان بی‌کار و لاجرم مهاجر که هم سرمایه‌های ملی هستند و هم با صرف هزینه‌های گزاف تربیت شده‌اند، غفلت از پرداختن به مشکلات بنیادین و مرمز نظام سلامت است. تصویب این طرح یک آسودگی خاطر گذرا و شاید با عاقبتی بیرانگرا را برای طرفداران آن فراهم می‌کند و پرداختن به مشکلات اساسی را بار دیگر به تأخیر می‌اندازد و رضایتی ساده‌انگارانه و عوام‌فریبانه به معترضان وضع موجود می‌دهد که نوعی وعده سرخرمن دادن است که نوعی گریز از حل مسئله است نه پرداختن جدی و مسئولانه به آن. برای خواست غیرمنطقی، غیرکارشناسی، پرهزینه و البته احساسی مردم مناطق کم‌برخوردار و کم‌جمعیت و گاه نمایندگان آنها باید پاسخی درخور داشت که همانا اجرای صحیح نظام سطح‌بندی است. مردم این مناطق باید بدانند که یک نظام سطح‌بندی و ارجاع کارآمد بسیار مهم‌تر از وجود پزشک عمومی یا متخصص در روستا و شهر کوچک آنهاست. نظامی که دسترسی سریع و آسان و کم‌هزینه آنها را به سطوح بالا و مجهز و باکیفیت تضمین می‌کند. به جای پرداختن به ریشه مشکلات موجود، مشکلی تازه بر مشکلات سیستم نیفزاییم.

زیر آسمان جهان

۱۱ روز اجبار برای عزاداری

دبلی‌میل: در چند روز گذشته در خبرها آمده بود که به مناسبت دهمین سالگرد مرگ کیم جونگ ایل، رهبر پیشین کره شمالی، مردم آن کشور ۱۱ روز از خندیدن و نوشیدن مشروبات الکلی منع شده‌اند. مقامات دولتی کره شمالی به مردم دستور داده‌اند که به احترام سالگرد درگذشت کیم جونگ ایل، هیچ نشانه‌ای از خوشحالی نشان ندهند. کیم جونگ ایل از سال ۱۹۹۴ تا زمان مرگش در سال ۲۰۱۱ بر کره شمالی حکومت کرد و سپس سومین و کوچک‌ترین پسرش، کیم جونگ اون، جانشین او شد که رهبر کنونی آن کشور است. یک شهروند کره شمالی از شهر مرزی سینویجو در شمال شرق آن کشور خبر داده است: «در طول دوره عزاداری، ما نباید مشروبات الکلی بنوشیم، بختنیم یا در فعالیت‌های تفریحی شرکت کنیم. روز ۱۷ دسامبر نیز نباید برای خرید مواد غذایی بیرون برویم». به گفته او، در گذشته بسیاری از افرادی که در ایام عزاداری در حال مستی یا نوشیدن مشروب الکلی بودند، دستگیر شده و به‌عنوان مجرمان عقیدتی با آنها رفتار شده است: «آنها را بردند و دیگر هرگز دیده نشدند». این شهروند کره شمالی همچنین افزوده است: «مردم در این مدت نمی‌توانند تولدشان را هم جشن بگیرند. حتی اگر یکی از اعضای خانواده شما در ایام ۱۱روزه عزاداری فوت کند، اجازه ندارید با صدای بلند گریه کنید، چون باید عزادار رهبر باشید. جسد را نباید نکه دارید و پس از پایان این مدت از خانه بیرون بیاورید». مراسم عزاداری برای کیم جونگ ایل هر سال به مدت ۱۰ روز برگزار می‌شود، اما امسال به مناسبت دهمین سالگرد درگذشت او، یک روز به ایام عزاداری افزوده شده است. به گفته یکی از ساکنان استان جنوب غربی هوانگهای جنوبی، به افسران پلیس گفته شده است مراقب افرادی باشند که در طول ایام عزاداری ناراحت به نظر نمی‌رسند، به گفته او، «آنها وظیفه دارند با کسانی که به روحیه عزاداری جمعی آسیب می‌رسانند، برخورد کنند. این وظیفه ویژه یک‌ماهه برای پلیس در ماه دسامبر است».